



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه عرض می کنیم که دو دلیل چهار نوع ارتباط و نسبت با هم دارند:

اول تخصص مثلاً وقتی گفته می شود "اکرم العالم" جاهل تخصصاً از آن خارج است. دوم تخصیص است یعنی یکی از دو دلیلی که با هم مواجه شده اند می خواهد حکماً از دیگری خارج بشود مثلاً یکی می گوید "اکرم العالم" و دیگری می گوید "لا تکرّم الفساق منهم". سوم حکومت است، یعنی تصرف أحد الدلیلین فی موضوع دلیل الآخر او فی محموله تنزیلاً و تشریحاً لا حقیقه و تکویناً، مثلاً در دلیل اول گفته شده ربا حرام است ولی در دلیل دوم گفته شده "لا ربا بین الوالد و ولده" که اینجا تضییق است و گاهی نیز توسعه می دهد مثلاً گفته شده کسی که در جائی قصد اقامت ده روز دارد مثل متوطن می باشد. چهارم ورود است، با قیام أحد الدلیلین موضوع دلیل دیگر حقیقتاً منتفی می شود مثل "رفع عن أمتی ما لا یعلمون" ولی یک دلیلی که مفید علم است می گوید نماز جمعه واجب می باشد.

خب و اما در بحثمان که می گوئیم در زنا ارث نیست اگر بگوئیم کلاً نسب نیست در اینصورت زنا تخصصاً خارج می شود و اگر بگوئیم نسب هست ولی ارث نیست در اینصورت زنا تخصیص خورده است مثل همان کفر و قتل که تخصیص بودند برای عمومات ارث.

امام رضوان الله علیه می فرماید: «مسألة ۱ : إن كان الزنا من الأبوين، لا يكون التوارث بين الطفل وبينهما ولا بينه وبين المنتسبين إليهما (أبوين)، وإن كان من

أحدهما دون الآخر، كما كان الفعل من أحدهما شبهة، لا يكون التوارث بين الطفل والزاني ولا بينه وبين المنتسبين إليه.»^۱

روایاتی که دلالت دارند بر اینکه در زنا توارث نیست در باب ۸ از ابواب موانع ارث وسائل الشیعة ذکر شده اند که عنوان باب این است: "أن ولد الزنا لا يرثه الزاني ولا الزانية ولا من تقرب بهما ولا يرثهم بل ميراثه لولده أو نحوهم ومع عدمهم للامام، وأن من ادعى ابن جاريته ولم يعلم كذبه قبل قوله ولزمه".

خبر اول: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ حَمَادٍ، عَنِ الْحَلْبِيِّ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ وَقَعَ عَلَيْهِ وَلِيدَةٌ (كَنِيْزٍ) قَوْمٍ حَرَامًا ثُمَّ اشْتَرَاهَا فَادْعَى وَلَدَهَا فَإِنَّهُ لَا يُوْرثُ مِنْهُ شَيْءٌ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ وَلِلْعَاهِرِ (زَنَاكَارِ) الْحَجْرِ، وَلَا يُوْرثُ وَلَدَ الزَّانَا إِلَّا رَجُلٌ يَدْعِي ابْنَ وَلِيدَتِهِ. الْحَدِيثُ.

ورواه الكليني عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير مثله. وعنه عن القاسم بن محمد، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.^۲

شیخ طوسی این خبر را از کتاب حسین بن سعید که از طبقه ۶ و اهوازی و محدث بسیار بزرگ و جلیل القدری بوده أخذ کرده، عن ابن أبي عمير عن حماد که ما دو حماد داریم؛ حماد بن عیسی و حماد بن عثمان و در اینجا حماد بن عثمان است زیرا آن حمادی که از حلبی نقل می کند حماد بن عثمان می باشد و حلبی نیز عبید الله بن علی بن ابی شعبه حلبی از بیت حلبی می باشد.

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۶۹.
^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۶۶، ابواب موانع ارث، باب ۸، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

یا زنی زنا کند و پسری متولد شود آیا آن مرد می تواند با آن دختر و آن زن می تواند با آن پسر ازدواج کند یا نه؟ و بالاخره صاحب جواهر بحث را به چگونگی ازدواج اولاد آدم و تولید نسل آنها رسانده چراکه باهم خواهر و برادر بوده اند، برخی گفته اند علت کشتن قابیل هابیل را همین بوده، زیرا حواء فرزندان دوقولو یک پسر و یک دختر به دنیا می آورده و همزاد هابیل یک دختر بسیار زیبا ولی همزاد قابیل خیلی زشت بوده، همزاد هابیل را به قابیل و همزاد قابیل را به هابیل تزویج می کنند و این مسئله باعث ایجاد اختلاف بین هابیل و قابیل شد و باعث شد تا قابیل هابیل را بکشد، تمام مفسرین اهل سنت علت قتل هابیل را همین تفسیر کرده اند ولی مفسران شیعه این تفسیر را قبول ندارند.

بالاخره بحث به اینجا می رسد که در تفسیر المیزان در اول سوره نساء که گفته شده: ﴿وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾^۱ و این همان ازدواج خواهر و برادر می باشد، خلاصه چنین بحثهایی مطرح شده که إن شاء الله بعدا عرض خواهیم کرد....

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

" توجه "

کانال رسمی حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه الله):

@noorihamedani

کانال دروس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه
الله):

@noorihamedanidars

خبر دوم: ﴿وَعنه عن مُحَمَّد بن الحسن الأشعري قال: كتب بعض أصحابنا إلى أبي جعفر الثاني عليه السلام معي يسأله عن رجل فجر بامرأة ثم إنه تزوجها بعد الحمل فجاءت بولد هو أشبه خلق الله به، فكتب بخطه وخاتمه: الولد لِغِيَّةٍ (لام حرف جر است در المنجد و مجمع البحرين و مصباح گفته شده "غية" به فتح و کسر غین به معنای همان زنا زاده و نامشروع می باشد) لا یورث.^۳﴾

شیخ طوسی عن حسین بن سعید عن مُحَمَّد بن حسن أشعری که از أشعریین قم است و بسیار معروف می باشد البته در وثاقتش بحث است ولی خب این اخبار مورد عمل فقهاء و اصحاب ما می باشد که ضعف سند را جبران می کند.

خبر سوم: ﴿وباسناده عن علي بن الحسن بن فضال عن أحمد بن الحسن، عن أبيه، عن جعفر بن مُحَمَّد، عن علي بن الحسن بن رباط، عن شعيب الحداد، عن مُحَمَّد ابن إسحاق المديني، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: أيما ولد زنا ولد في الجاهلية فهو لمن دعاه من أهل الاسلام.^۴﴾

اخبار زیاد هستند و ما همه را نمی خوانیم و خلاصه اینکه تمام این اخبار می خواهند بگویند در زنا ارث نیست منتهی در اینجا چند بحث بوجود می آید:

اول اینکه صاحب جواهر بعد از طرح این بحث که در زنا ارث نیست وارد بحث دیگری شده و فرموده در زنا ارث نیست ولی آیا می توان با ولد زنا ازدواج کرد یا نه؟ به عبارت دیگر اگر مردی زنا کند و دختری متولد شود

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۶۷، ابواب موانع ارث،

باب ۸، حدیث ۲، ط الإسلامیة

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۶۸، ابواب موانع ارث،

باب ۸، حدیث ۵، ط الإسلامیة

^۵ سوره نساء، آیه ۱.